

النَّجْمُ الزَّاهِرُ

فِي أَحْوَالِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ

نویسنده: جواد سوفسطائی

مرکز تحقیقاتی فرهنگی
غصب فدک اصفهان

سرشناسه: سوفسطایی، جواد، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور: النجم الزاهره: فی احوال مولانا صاحب الزمان / نویسنده جواد سوفسطایی.

مشخصات نشر: اصفهان: لیالی: همای رحمت، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص. شابک: 978-600-6418-12-4

وضعیت فهرست نویسی: فیبا: یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۵۵ - ۲۵۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: صاحب الزمان عجل الله فرجه، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -

رده بندی کنگره: BP۵۱/س۸۴۴/۳ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۹۵۹/۲۹۷ شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۷۵۶۳۹

مشخصات کتاب

نام کتاب: النجم الزاهره

نویسنده: جواد سوفسطایی

حروف نگاری و طراحی جلد: مجموعه فرهنگی غصب فدک اصفهان

انتشارات: لیالی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۲

قطع: وزیری / تعداد صفحات: ۲۵۶ صفحه

شمارگان: ۲۰۰۰

مؤسسه فرهنگی قرآنی منتظران ظهور

مسجد امام حسین علیه السلام رهنان

با تشکر از حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی تسلیمی

و با همکاری آقای جابر عسکری

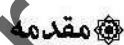
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۳۱۰۴۸۰۴۵ - ۰۹۱۳۳۶۷۹۹۴۲

Www.MontazeraneZohur.com

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ می باشد.

شابک: 978-600-6418-12-4

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَتْنَا الصُّرُوجُ جِنَانًا يَبْضَاعِيَّةً مُزَجَّاةً فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ
تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾

چهره‌ی گل باغ و صحرا را گلستان می‌کند دیدن مهدی هزاران درد درمان می‌کند
مدعی گوید که با یک گل نمی‌گردد بهار من گلی دارم که عالم را گلستان می‌کند

ای آینه کمال خلقت و ای زیباترین مصداق حضور خدا، اعجاز کن.
ای معروف خدا! از احرام انتظار خارج شو و اعتکاف هجران را بشکن. روزه
غربت را افطار کن و نفوس مردگان را زندگی بخش.
دلبر! چمن چمن نرگسان بر آستانت خیمه زدند و در اشتیاق جمعه موعود گریبان
می‌درند. نسیم نسیم در پی تو می‌وزند تا یک پیچک موی تو را بنوازد. عندلیب
نغمه کنان بال می‌سایند که واژه‌ای از اشعار تو را ببرایند.
یارا! دستانمان را می‌گشاییم تا به شبنم پیشانی تو وضو سازیم و سر می‌ساییم بر
عبادت تا به غبارش سجده کنیم.

ای سبزتر از برگ بهشت خوشبوتر از عطر سرشت! رقیبانت را در خاکستر توبه
دفن کردیم تا فقط با تو دلدادگی کنیم.

آقای من! عزیز من در انتظار تو ماندن، همه را به تنگ آورده. یارانت به تیغ جاهلیت
کافران گرفتار گشته‌اند و در خموشی غروب دلتنگ و طولانی‌ات سخت غمین‌اند.
هرشب جمعه به همراهت رو به درگاه معبودشان دست به دعا برمی‌دارند که ای یکتای

بی همتا، تو عنایتی بنما و آن دلدادۀ را به دلداری رسان که اگر بر شکستن است سنگ
صبور دل نیز شکست.

عزیز دل زهرا! باغ آرزوها به شوق بهار روی تو خزانها را می شمارد و چکامه های
خونین شقایق را می نگارد؛ نرگسها داغ هجر تو بر سینه دارند؛ و لحظه لحظه های
عمرمان نمی گذرد مگر اینکه سراسر وجودمان پر است از انتقام صورت سیلی خورده و
پهلوی شکسته ی ستون خیمه ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و به عشق نوای حیدری تو هستیم که
آوای ملکوت را بشنویم که:

أنا المقتم

جهان در تپش آمدت به لرزه درآمده است. بادهای پراکنده در هر سو، ستم باره های
خویش را بر دوش می کشند.

اهل زمین، ثانیۀ شمارها را مرتب نگاه می کنند.
یک منجی، فقط یک منجی است که می تواند آنها را از درد و رنج و غم خلاصی بخشد.
درختان گیسوان پریشان خویش را فصل به فصل به دست زمان می سپارند تا زردی
و سرمای زندگی را به ساعت سرسبزی جوانه هایشان برساند.

دلها در غربت خاک، غریب و تنها جان می دهند ماهیان قلبها، خشک سالی
محبت و مهربانی را تاب نمی آورند. چشمها، چشمه های خشکی شده اند که کمتر به
اشک شوق می اندیشند که گریه های فراق، آنان را امان نمی دهد.
تشنگی بر اعماق و ریشه این دیار نفوذ کرده و تندیسها تاب ایستادن را بیش از
این ندارند.

کشتی های عدالت و انصاف در هیاهوی بی امواج صدایشان به گل نشسته اند و
ناخدایان خدانشناس، هنوز در ادعای حق طلبی خویشند.
هر روز که عرش از صدای ضجه ستم دیدگان به لرزه درمی آید، زمین، چهار
ستونش فرو می ریزد.

لرزش بر اندام آدمیان افتاده. قدمهایشان سست شده، ایستاده اند؛ اما غبارهایی را
می مانند در هوا.

هستند؛ ولی گویی کسی جز خودشان نیست!

نیستند؛ ولی چنان در خویش حل شدند که گویی هستی، جز آنها نیست.

خندانند؛ ولی در اعماق روح خویش چیزی ندارند جز اشک و عذاب.

گریانند؛ ولی نمی‌دانند بهانه این همه سختی و اشک چیست؟!

فضا، زمین، زمان، آسمان، دریا، انسان و هر آنچه در هستی است، در خلای عظیم غوطه‌ور است. همه چیز در حال غرق شدن است. همه چیز در حال از بین رفتن است.

همه، چشم به نجات دهنده‌ای دوخته‌اند که دست‌های رها و خالی را بگیرد و از این فضای در حال سقوط نجات بخشد.

سخت است؛ سخت است هر روز چشم بگشایی و خورشید را ببینی که طلوع کرده، بی‌آنکه خبری از آمدن تو آورده باشد.

سخت است هر روز به سرخی غروب بکشانی و در تیرگی شب فرو روی، بی‌آنکه به آرامش دست‌یابی.

سخت است تا آخر هفته روز شعاری کنی و روز هفتم بلند شوی و باز هم هیچ کس را در آن سوی جاده نبینی.

سخت است پنجره را باز کنی و به دور دست‌ها خیره شوی و هیچ چیز جز چشم‌های منتظر کاج‌ها نبینی.

جاده‌های کشیده شده تا آن طرف انتظار. چشم‌های خیره شده به روبه‌رو

پنجره‌های گشوده شده، فریادرسی را می‌خواهد که خواب ستم و بی‌عدالتی را بر آشوبد.

سواری را می‌خواهد که منتظرانش او را از پشت شیشه‌های به شوق آمده، ببینند.

جهان تو را می‌خواهد.

تا به کی در طلوعی روز جمعه تو را این چنین صدا بزنم:

کاش می‌دانستم که تو در کجا اقامت نمودی؟

و کدام زمین و خاک تو را برگرفته؟

آیا به رضوی جای داری یا ذی طوی؟

گران است بر من که خلق را ببینم و تو دیده نشوی و نشنوم از تو، نه آوازی و نه رازی.

گران است بر من که احاطه کند به تو، بلا، نه به من و نرسد به تو، از من، نه ناله‌ای و نه شکایتی.

جانم فدای تو غایبی که از ما کناره نداری!

جانم فدای تو دور شده‌ای که از ما دوری نگرفتی!

جانم فدای تو که آرزوی هر مشتاق آرزومندی از مرد و زن که تو را یاد آورند و ناله کنند!

گران است بر من که من بر تو بگریم و خلق از تو، دست کشیده باشند.

گران است بر من آنکه جاری شود بر تو آنچه جاری شده نه بر ایشان.

آیا معینی هست که طولانی کنم با او گریه و ناله را؟...

جانم فدایت دوری و فراق خواب را از چشمان من ربوده.

چنان در پرده‌ی حجابی که نه دستی به دامانت رسد و نه چشمی به جمالت افتد

و نه از مقر سلطنت خبری و نه از محل اقامت و رحلت اثری.

و برای فرجت ای منتقم خون حضرت زهرا علیها السلام دست به دعا برمی‌دارم که بالاترین

و افضل ترین اعمال طبق سخن خورشید هشتم است.

ولی آقا جان می‌دانم که سگ آستانت را می‌بینی پس مرا از دعای خیرت فراموش نکن

و این نامه‌ی گرامی را که النجم الزاهره در احوال امام زمان علیه السلام نامیدم، را از من بپذیر.

امشب که بین خلق، لیل الرغائب است دانی چه چیز آرزوی قلب صاحب است

ای کاش روز جمعه که از راه میرسد دیگر کسی نگوید ارباب غائب است

والسلام علی من اتبع الهدی

عبدالزهر علیه السلام

۱۳۹۲/۲/۲۶ برابر ۵ رجب المرجب ۱۴۳۴ ه.ق.

شب جمعه لیلۃ الرغائب، مصادف با ولادت امام هادی علیه السلام